

تا چه اندازه هنر و ادبیات ایران از باورهای اسطوره‌ای و دین اقوام ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند؟*

ما می‌توانیم درون‌مایه‌ی داستان‌ها و حکایت‌هایی را مشاهده کنیم که به زمان‌های بسیار دور تاریخ مربوط می‌شوند؛ داستان‌هایی که زمان وقوع آنها قبل از اختراع خط بوده است. ادبیات کهن که انعکاس آن بعدها در اساطیر ادیان باستانی و همچنین در ادبیات افسانه‌های حماسی نمایان شد. مضمون‌های روایت‌ها می‌توانند فراسوی قرن‌ها سفر کنند. می‌توانیم آنها را در ادبیات باستان از جمله در داستان‌های بلند، در تئاتر یا افسانه‌های مشهور بیابیم. در اینجا می‌توان گیل‌گمش را به عنوان مثال در نظر گرفت.

شاهنامه فردوسی نیز نمونه‌ی بسیار جالبی از اساطیر کهن به شمار می‌رود که به تاریخ تبدیل شده است. شاهنامه ادبیات اساطیری تاریخ ایران باستان است که بازتاب آن را در هنر و ادبیات مشاهده می‌کنیم. اسطوره به این ترتیب ادامه می‌یابد و ما می‌توانیم تبدیل اسطوره را به تاریخ، افسانه حماسی ادبیات و در تمامی نقش‌های متفاوتی از یک درون‌مایه‌ی مشابه ببینیم. در زمان جوانی‌ام تحقیق کوچکی در مورد ادبیات کودکان به زبان عربی در مصر انجام دادم. نویسنده قصه کودکان، از فردوسی به عنوان منبع خود استفاده کرده بود. این نویسنده کتاب‌هایی کوچک برای کودکان می‌نوشت و من علاقه‌مند بودم که بدانم او چه ایده‌هایی را به بچه‌ها انتقال می‌دهد. نویسنده از مضمون‌ها و داستان‌های کهن و امروزی الهام گرفته و آنها را به آنچه «داستان‌های اخلاقی» می‌نامیم تبدیل کرده بود. بنابراین او از فردوسی، افسانه‌ها و حماسه‌های قومی اروپای شمالی و دیگر درون‌مایه‌ها استفاده کرده و آنها را به صورت اصول اخلاقی، برای کودکان تغییر شکل داده بود. کار این نویسنده با وجود اینکه کاملاً عملکرد اسطوره‌ای ندارد، اما دور از آن هم نیست و به حماسه مربوط می‌شود.

اثر دین و عامل «تغییر دین» بر هنر یک کشور در نظر شما چگونه است؟ در اینجا می‌توان اثر جهت قبله در معماری و چگونگی جهت‌گیری ساختمان‌ها را به عنوان مثال در نظر گرفت. معماری با توجه به نقش وضو و قبله باید به ویژه در ساخت مساجد برای انجام مراسم مذهبی دارای کاربردی مناسب باشد. عملکرد متضاد در این مورد هنگامی است که یک دین جدید وارد یک فرهنگ می‌شود. نمونه آن مسجد قدیمی در «بیجینگ» است. مجسمه‌های اهریمن بر روی بام مسجد قدیمی بیجینگ قرار دارند که برای یک مسجد بسیار غیرمتجانس به نظر می‌رسد. هم‌چنین مناره این مسجد شبیه به پگودای بودایی و ساختمان‌ها به سبک چینی و ژاپنی ساخته شده است.

شما در مورد چگونگی به کار گرفتن اسطوره‌ها به وسیله‌ی حکومت‌ها در

فرآیند حرکت پرشتاب جوامع به سوی پیشرفت در قرون اخیر چه نظری دارید؟

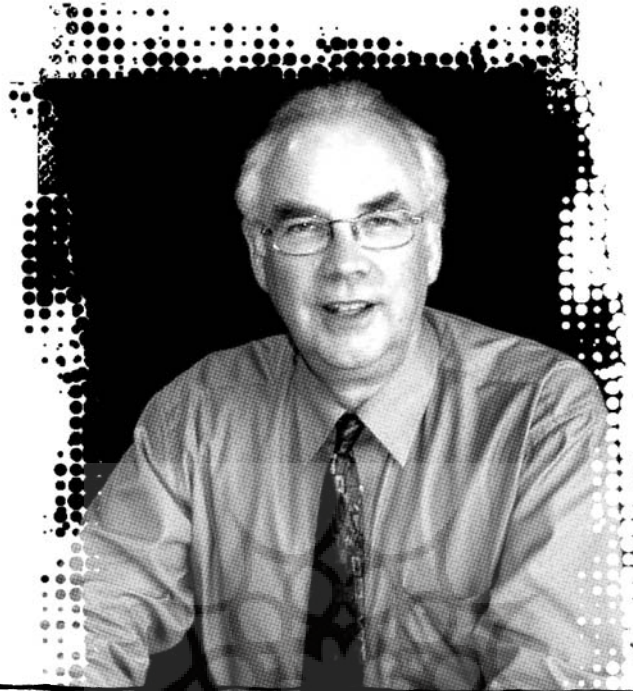
تاریخ‌نویسی و تاریخ، کاربرد اسطوره‌ای پیدا کرده و تاریخ در نقش اسطوره به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال تفکر پیوند مردم به یکدیگر و اینکه شما عضوی از یک اجتماع هستید برای ایجاد احساس نزدیکی و وحدت در بین افراد جامعه نیازمند ترویج تصویری از پیوستگی در بین مردم است؛ و اینکه «شما در چیزی که قبل از تولدتان رخ داده است نقش داشته‌اید» که در واقع این طور نبوده است.

عملکرد اسطوره‌ای تاریخ این است که ما در آن جا (در یک واقعه) حضور داشته‌ایم، اگر چه هنوز در آن زمان به دنیا نیامده بودیم؛ به این دلیل که آن رخداد بخشی از تاریخ یک گروه است. این موضوع به خصوص برای سیاستمداران به هنگام درگیری‌ها دارای اهمیت است. برای تعیین اینکه «چه کسی با ما است» و «چه کسی خارج از گروه قرار دارد» در یک درگیری، می‌توان از تاریخ و روایت‌ها استفاده کرد. این خصوصیت در حالی که از یک سو یک ضرورت است، اما بسیار خطرناک می‌باشد، زیرا زمینه‌ی فکری ایجاد شده، مبنایی برای کشتن دیگران می‌شود و آن را مجاز می‌سازد. ما همگی یک وجود هستیم و دیگران «دیگری» هستند.

بین ما یک خط مرزی وجود دارد که اگر از آن بگذرند، می‌توان آنها را کشت. تاریخ‌گزینشی از گذشته است. آنچه در گذشته پیش آمده، مجموعه‌ای از رویدادها است. حد و مرزی ندارد. ما باید انتخاب کنیم که چه چیزی دارای اهمیت و چه چیزی مهم نیست. به هنگام درگیری‌ها می‌توان تاریخ‌نگاری‌های متفاوتی داشت و به تاریخ از جهت‌های مختلف نگاه کرد. این موضوع به ویژه به هنگام وقایع مهم و غیرمهم تاریخی بسیار اهمیت دارد. اگر یک رهبر سیاسی را در نظر بگیریم، وی رویدادهای مشخصی را در گذشته به عنوان وقایع مهم برمی‌گزیند، در حالی که دیگر، وقایع گذشته را مهم نمی‌داند. مجموعه‌ای از رخدادها از نقطه نظر او بسیار پرمعنا و قابل توجه‌اند و رویدادهای برگزیده شده، اغلب آن وقایعی است که درگیری را توجیه می‌کند. هم‌چنین می‌توان از این خصوصیت از جنبه‌ی دیگری هم استفاده کرد. می‌توان رویدادهای گذشته را در نقش‌جانبداری از یک اندیشه انتخاب کرد یا می‌توان به عنوان مثال با این روش قوم‌گرایی و یکپارچگی مذهبی را ترویج داد. اتحادیه اروپا هم براساس یک اسطوره بعد از وقوع دو جنگ جهانی ویران‌کننده در اروپا شکل گرفت. نقش اسطوره‌ای تاریخ می‌تواند در هر دو جهت نیک و بد به کار گرفته شود و این بستگی به دستور کاری دارد که ما خودمان آن را انتخاب می‌کنیم.

اسطوره روایت‌گزینشی از تاریخ گفت‌وگو با یان یرپه

گفت‌وگواز: بهنوش پایور



اسطوره‌ها در بستر زمان خلق می‌شوند و گوشه‌ای از پندار آدمی نسبت به خویشتن خویش را می‌سازند. از ادبیات زمان‌های دور گذشته به حال می‌آیند و سرنوشت تازه‌ای برای خالق خود رقم می‌زنند. اسطوره‌ها پاره‌های جدانشدنی تاریخ ملت‌ها هستند، آفریده می‌شوند که به خودی خود به وجود نمی‌آیند. هم‌چون ابزاری در سیاست به کار گرفته می‌شوند و به مانند گلوله‌ی سحرآمیز پرقدرتی می‌توانند تاریخ یک سرزمین را به هر دوسوی خیر و شر دگرگون کنند.

متن حاضر حاصل مصاحبه‌ای با یان یرپه اسلام‌شناس مطرح سوئدی است که درخصوص چگونگی نقش اسطوره‌ها در هنر و ادبیات و همچنین در عرصه سیاست در دانشگاه لوند انجام شده است. پرفسور یرپه در زمینه‌های الهیات، تاریخ ادیان و روان‌شناسی ادیان دارای تخصص بوده و به ایران‌شناسی و شرق‌شناسی علاقه‌مند است. رابطه اسطوره با هنر، باورها و سنت‌ها، ارتباط باورهای اسطوره‌ای و مذهبی، اثر اسطوره بر هنر و نقش اسطوره در سیاست از جمله مفاهیمی است که در این گفت‌وگو مورد بحث قرار می‌گیرد.

داستان‌های واقعی و تاریخ حقیقی، هنگامی که مورد استفاده اسطوره‌ای قرار می‌گیرند، می‌توانند دارای عملکردی مشابه و حتی یکسان به اسطوره باشند. مثال آشکار آن عاشورا و واقعه کربلا است. واقعه کربلا یک روایت و قسمتی از تاریخ می‌باشد که دارای نقش اسطوره‌ای است. بازتاب اسطوره کربلا را در هنر، ادبیات و هنر تئاتر هم می‌توان مشاهده کرد.

این واقعه‌ی تاریخی نمونه‌ی بسیار مناسبی است که چگونگی تبدیل شدن یک حادثه‌ی تاریخی را به اسطوره نشان می‌دهد. روایت‌های مذهبی اغلب اوقات نقش اسطوره‌ای دارند. اما تعداد زیادی از داستان‌های اسطوره‌ای قسمتی از سنت‌های مذهبی به حساب نمی‌آیند. در بررسی اسطوره‌ای روایت‌ها و داستان‌ها درمی‌یابیم که اسطوره‌های مذهبی قسمتی از مفهوم بزرگ‌تری به نام اسطوره هستند.

به کمک هنر اقوام ایرانی، تا چه حد می‌توان آیین‌ها و باورداشت‌های آنان را شناخت؛ و آیا در میان اقوام کهن، باورهای دینی و اسطوره‌ای از یکدیگر جدا بوده‌اند؟ نظر شما درباره‌ی رابطه باورهای مذهبی و اسطوره‌ای چیست؟

اسطوره روایت و داستانی مربوط به مردم است، اما نه یک داستان معمولی، داستانی است که دارای معنا و اهمیت بوده و به طور نمادین اعمال انسان‌ها را توصیف می‌کند. به جای ساختن یک نظریه یا وصف فلسفی از اعمال انسانی می‌توان به وسیله اسطوره آن را شرح داد. مرز آشکاری بین حماسه و افسانه از یک سو و تاریخ از سوی دیگر وجود ندارد. تاریخ می‌تواند نقش اسطوره‌ای داشته باشد. به عبارت دیگر اسطوره به داستانی گفته می‌شود که از نقطه نظر تاریخی حقیقت ندارد. اما نکته اینجا است که حتی